

مردم آزار

مسلمان کسی است که عملها را
از دست و زبان او در امان باشد

از روزی که شر خود را شناخته از مردم آزاری برکنار نبوده است مردم آزاری یعنی کسیکه از راه خردسری و فرومایگی حقوق مردم را بریامیگذارد و خواسته های آنها را هیچ میکشد مسلمان و راحتی را فقط برای خود میخواهد و آزادی و سعادت دیگران اهمیت نمیدهد ؛ این خوی زشت از صفات نامستحب است چنانکه در اخبار و روایات مأمورند نکوهش سخت فراتر گرفته و مسلمانان را از آزار نکاب آن برحذر داشته اند ؛ تا آنجا که فرموده اند :

مسلمان کسی است که سایر مسلمانان از دست و زبان او در امان باشند .

مفهوم آن اینست که اگر کسی با آزار مسلمانان پرداخت ؛ مسلمان نیست ؛ در اسلام از هر کس که مردم آزاری و مزاحمت دیگران شدیداً جلوگیری شده و برای آن مجازات سخت مقرر گردیده است ؛ برای نمونه به استناد زیر توجه کنید :

سمره بن جندب در زمان پیغمبر اسلام (ص) در مدینه میزیست ؛ وی درخت خرمائی داشت که در زمین خانه مردی انصاری قرار داشت و خانه انصاری عم نوب باغ بود .

سمره وقت و بی وقت میآمد و از در خانه مرد انصاری میگذاشت و از درخت خود سرکشی میکرد ؛ چون خانه انصاری جلو باغ بود (سمره) در آمد و رفت خود مزاحم او میشد و بدون اطلاع و اجازه او از جلو خانه گذشته و او را در حیا میگردد و پوست درخت نخل خود میرفت ؛

مرد انصاری در این باره با وی گفتگو کرد و از او خواست که هر وقت میخواهد از درختش سرکشی کند از او که صاحب خانه است اجازه بگیرد و سپس وارد باغ شود .

سمره که ذاتاً مردی لجبوج و مردم آزار بود از بد رفتن تقاضای مشروع مرد انصاری سر باز زد مرد انصاری که دید او بنا ندارد همچنان مزاحم او شود بغضت پیغمبر شنید و آنچه میان او و سمره گذشته بود با اطلاع حضرت رسالیه و آزاری شکایت نمود .

پیغمبر فرستاد سمره را آوردند و شکایت مرد انصاری را با اطلاع او رسانید و امر فرمود که ؛ هر وقت خواهی داخل باغ شوی و از درخت خود سرکشی کنی چون خانه انصاری جلو باغ

است ، از وی اجازه بگیر و سپس وارد شو تا او تلاوت نیاشد و وسیله اجتنابش فراهم نگردد
شهره بشیرت و از اطاعت فرمان پیغمبر (ص) سر باززد !

حضرت درخت اوراقیت نمود و از وی خواست که برای من موضوع درختش را بگوید
و همچنان بر قبت آن افزود تا مبلغ هنگفتی رسید ، ولی سرمدت از اجابت خود بر نداشت
و از فروختن درخت امتناع نمود .

پیغمبر فرمود من ضمانت میکنم که اگر از آن صرف نظر کنی خداوند در بهشت درختی بنویسد
بدنم ولی سرمد این وعده بشیرت .

در اینجا پیغمبر از خود سبزی و لجامت سرمد که بیجمله حاضر نبود راه حلی برای شکایت
مردان نصاری یافتند ، بر آشتی فرمود : آی سرمد تو هر دی سخت مردم آزاد را رعایت می کنی
سپس مردم انصاری فرمود : هم اکنون برو و درخت او را از بیخ بر کن و بیش دوغ او

بیانداز زیرا ضرر و زیان به مسلمان در اسلام ممنوع است (۱)
بدینگونه (سرمد) بجزای خود سری خود رسید و مردم انصاری هم برای همیشه از شر
او آسوده گشت .

سرمد چون ذاتاً مردی بت و شکیبایی و مردی آزاد بود ، بعد از رحلت رسول اکرم
در صف دشمنان خاندان پیغمبر و مخالفین اسلام مؤمنان علی علیه السلام درآمد و بکشتن دوستان
علی (ع) پرداخت .

روزی معاویه هزار درهم بویک داد که بدو روای پیغمبر روایت کند که آن شریفه
و من الناس من یحبک قوله فی الحیاة الدنیا و یشهد الله علی ما فی قلبه و هو الذی
الخصام (بقره ۲۰۰-۲۰۵) در باره امیر المؤمنین نازل شده و آن بود که از آنجا که معاویه قائل آن حضرت نازل گردیده
هر ضامن الله و الله و روف بالعباد (بقره ۲۰۳) نازل شد ، معاویه قائل آن حضرت نازل گردیده
است ! در صورتیکه آن حضرت در باره خود معاویه نگویند و می گویند آن معاویه را معاویه بن ابی سفیان
نازل شده است .

سرمد که امر او معاویه را در این باره تبلیغ و امتداد داشت ، معاویه حاضر شد و ویست
هر از دردم بدستولی او راضی نشد الاخره چهار صنف از دردم گرفت و موضوع را بدستخواه
معاویه تمام کرد !! (۲)

سرمد بعد از جانب معاویه جاگم خبره شد و زمانی معاونت بدین آمده بود ، موقعیکه معاون
زیاد بود هشت هزار نفر از او بصره بقتل رسانیدند از آن بین سیرین بر سر بلند آید سرمد کسی را
گفت : گفت . آیا بقولین سرمد شماره می آید (۳) .

(۱) روایت از حضرت امام محمد باقر نقل از کتاب «کافی»

(۲) تاریخ طبری

(۳) النصاب الکافی لمن يتولى معاویه